

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهیافت‌ها

سال چهاردهم، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۹۹
صفحه ۱۴۳ تا ۱۶۲

بررسی علل و ریشه‌های مصادره اموال و دارائی‌های ایران و جایگاه

آن در نظام حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل

فروغ چرامی / دانشجوی دکتری تخصصی حقوق بین‌الملل عمومی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران f.chorami@gmail.com
لیلا رئیسی / دانشیار و عضو هیات علمی، گروه حقوق بین‌الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران: نویسنده مسئول leila.raeisi222@gmail.com
محمود جلالی / دانشیار و عضو هیات علمی، گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران m.jalali@ase.ui.ac.ir

چکیده

موضوع این مقاله بررسی علل و ریشه‌های مصادره اموال و دارائی‌های ایران و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل است. سؤال اصلی تحقیق این است که، مهم‌ترین علل و ریشه‌های مصادره اموال و دارائی‌های ایران کدامند و این اقدام در نظام حقوقی ایران و بین‌الملل چگونه قابل تبیین است؟ فرضیه اصلی مقاله این است که آمریکا با هدف مهار یا تغییر رفتار ایران سیاست مصادره اموال ایران را در پیش گرفته است که این امر از نظر حقوق داخلی و بین‌الملل نقض حاکمیت دولتی و تعدی به اصل حاکمیت در حقوق بین‌الملل می‌باشد. پیروزی انقلاب اسلامی، ارزش‌های مختلفی از جمله حمایت از ملل مستضعف، حمایت از جنبش‌های اسلامی و استکبارستیزی را به دنبال داشت که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منعکس شده‌اند. این امر سبب تقابل سیاست خارجی ایران با سیاست خارجی آمریکا بود. بر این اساس آمریکا سیاست‌های مختلفی از جنگ هشت ساله، انواع و اقسام تحریم‌ها از جمله تحریم داماتو تا تحریم‌های گسترده بانکی و تجاری را در پیش گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که، اقدام آمریکا در مصادره اموال و دارائی ایران، نظر گرفتن مؤلفه‌هایی همچون نزاکت و عدم کنترل مؤثر، استفاده از قانون تروریسم از نظر حقوق بین‌الملل فاقد مشروعیت است.

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۰۸/۲۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۶/۲۷

کلیدواژه: انقلاب اسلامی، حاکمیت، مبارزه با تروریسم، مصادره اموال، حقوق بین‌الملل.

مقدمه

بازیگری کشورها در عرصه روابط بین‌الملل، در واقع کنش به سیاست خارجی آن‌ها قلمداد می‌شود. ولی اقدام متقابل کشورها در عرصه جهانی است که شکل ساختار روابط بین‌المللی آن‌ها را شکل می‌دهد. به عبارتی، روابط بین‌الملل مطالعه کنش‌های متقابل بازیگران عرصه جهانی است، در حالی که سیاست خارجی بررسی کنش بازیگران در نظام بین‌الملل محسوب می‌شود (Baghet, 2008: 3). اساساً سیاست خارجی هر کشوری مهم‌ترین عرصه نمود و تجلی درونی آن کشور در سطح بین‌المللی است. سیاست خارجی هر کشور در امتداد وضعیت داخلی آن است. برخی از پژوهشگران معتقدند «سیاست خارجی مهم‌ترین وجه زندگی اجتماعی-سیاسی ملت‌ها و کشورها به شمار می‌رود، زیرا حیات آن‌ها به سیاست خارجی بستگی دارد» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱).

از پیامدهای انقلاب اسلامی تغییر بنیادی در سیاست خارجی ایران و آمریکا است؛ دو کشوری که پیش از انقلاب روابط استراتژیک داشتند و تهران یکی از متحدین راهبردی واشنگتن محسوب می‌شد، به دشمنانی بدل گشتند که تا برخورد نظامی با یکدیگر نیز پیش رفتند، اما پیروزی انقلاب تنها به روابط دو جانبه محدود نماند و ایالات متحده، به عنوان یکی از دو ابرقدرت در دوران جنگ سرد و دوران پسا جنگ سرد، با چالش‌های گسترده‌ای در منطقه روبه‌رو گردید. واکنش آمریکا به این تغییر تحولات، در پیش گرفتن طیفی از سیاست‌ها و اقدامات خصمانه بوده است که از جمله آن‌ها می‌توان به تنگ هشت ساله، تحریم‌های مختلف از جمله داماتو و سپس تحریم‌های بانکی و تجاری و نفتی اشاره کرد. یکی از این روش‌های آمریکا که در دو دهه گذشته توسط آمریکا و به منظور تغییر حکومت انقلابی و یا تغییر رفتار آن در پیش گرفته شد سیاست مصادره اموال و دارایی‌های آن بوده است.

تعرض به اموال و دارایی‌های خارجی دولت‌ها بالأخص جمهوری اسلامی ایران، در ایالات متحده آمریکا به بهانه جبران خسارت وارده به قربانیان عملیات تروریستی و خشونت‌آمیز در خارج از این کشور از معضلات سیاست خارجی برخی کشورهاست که در نظام بین‌الملل در جرگه کشورهای دوست آمریکا قرار ندارند و یا در مظان اتهام حملات تروریستی به شهروندان این کشور قرار دارند (Brohmer, 2009: 51).

ایران به واسطه داشتن پرونده‌های مختلف حقوقی در دادگاه‌های کشور آمریکا و در پرونده‌هایی همچون پترسون، ایزنفلد، فلاتو، جن کو و...، میلیاردها دلار از سرمایه‌های خود

را از دست داده است. برخی پژوهشگران و حقوقدانان معتقدند وضع و اجرای قوانین فراسرزمینی در آمریکا و همچنین وضع قوانین مغایر با اصول پذیرفته شده حقوق بین‌الملل عرفی، اصل برابری و احترام به حاکمیت‌ها و نیز اصل نزاکت و مصونیت را زیرسؤال برده است.

از زمان سقوط حکومت پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، روابط آمریکا و ایران تیره شده، وضعیت خصمانه‌ای میان دو طرف ایجاد شد و دولت آمریکا با اتکا به اقداماتی مانند بدنام کردن نظام جمهوری اسلامی به حمایت از تروریسم، نقض حقوق بشر، تحریم و نهایتاً ضبط اموال ایران در آمریکا به این موضوع واکنش نشان داد و طی فرمان اجرایی رئیس‌جمهور وقت آمریکا، دارایی‌های ایران در آمریکا مسدود شدند (سپتامبر، ۱۳۸۹: ۱۰۸). از جمله این موارد قراردادی نظامی است که پول آن پرداخت شده بود، ولی وزارت دفاع آمریکا پس از انقلاب تجهیزات مورد نظر را به کشورهای دیگر واگذار کرده است. در سال‌های بعد نیز دولت آمریکا اقدام به فروش یا واگذاری و مصادره اموال ایران نمود و از جمله اینکه در سال ۱۳۷۵، کنگره آمریکا با نقض قاعده مصونیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل و قوانین داخلی آمریکا، با تغییر قانون داخلی مصونیت دولت به اتباع ایالات متحده که در عملیات تروریستی خسارت دیده‌اند اجازه داد در دادگاه‌های آمریکا علیه کشورهای که در فهرست «دولت‌های حامی تروریسم» قرار دارند اقامه دعوا و ادعای خسارت نمایند. در همان سال، کنگره آمریکا با تصویب تبصره فلاتو به دادگاه‌های آمریکا اجازه داد برای به اصطلاح «قربانیان تروریسم» مبالغ هنگفتی معادل ده‌ها برابر خسارات وارده به عنوان «خسارات تنبیهی» علیه «کشور حامی تروریسم» تعیین کنند. بر اساس دو مصوبه فوق، دادگاه‌های آمریکا احکامی به ارزش میلیاردها دلار علیه جمهوری اسلامی ایران و به نفع مدعیان خسارت در اقدامی در لبنان و فلسطین اشغالی صادر کردند.

ادعای آمریکا آن است که ایران نقش موثری در اتفاقاتی نظیر حادثه ۹ خرداد ۱۳۸۲ (۳۰ می ۲۰۰۳) یعنی بمب‌گذاری ۲۳ اکتبر سال ۱۹۸۳ میلادی در برابر مقر سربازان آمریکایی و فرانسوی حافظ صلح در بیروت و اقدامات تروریستی در منطقه خاورمیانه داشته است. آمریکا با اتکا به این دلایل اقدام به مصادره اموال و دارایی‌های ایران نموده است. مسئله اصلی این است که مهم‌ترین علل و ریشه‌های این اقدام آمریکا کدامند و عمل آمریکا در نظام حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل از چه جایگاهی برخوردار است، که در این تحقیق بدان پرداخته خواهد شد.

۲- مبانی نظری

در فرهنگ فارسی معین، مصادره به معانی مختلفی و از جمله تاوان گرفتن، جریمه کردن، خون کسی را به مال او فروختن و مطالبه کردن بکار رفته است (معین، ۱۳۷۵: ۵۵۱). در سایر فرهنگهای فارسی و همچنین فرهنگهای عربی نیز معانی مشابهی برای مصادره ذکر شده است. در فرهنگ حقوقی آکسفورد اصطلاح «Order Confiscation» به معنای «دستوری که شخصی که از طرف دادگاه به خاطر یک جرم محکوم شده و از ارتکاب جرم منتفع شده است، را ملزم به پرداخت مبالغی می‌کند»، ذکر شده است. واژه مصادره نیز در فرهنگ مذکور به معنای از دست دادن مال یا حق به عنوان نتیجه یک جرم و یا به خاطر نقض یک تعهد» معنا شده است (خواججه وند و پوراسکندر، ۱۳۹۶: ۱۱۱). در فرهنگ حقوقی بلک،^۱ واژه مصادره به معنای محروم کردن از مال بدون جبران خسارت، از دست دادن حق، امتیاز، یا مال به واسطه جرم، عدم انجام تعهدات یا قصور در انجام وظیفه ذکر شده است. در فرهنگ مذکور، واژه‌های Confiscate و Confiscation نیز به معنای تصاحب مال به نفع دولت؛ ضبط مال با اجازه قانون و توقیف مال برای خزانه عمومی بکار رفته است (Jeffrey, 2011: 456 & Phelip). در ترمینولوژی حقوق مصادره به معنای «مطالبه مال و در اصطلاح به معنای مطالبه و گرفتن مال به وسیله دولت از غیرطریق قانونی و یا طرق متعارف» ذکر شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴: ۳۳۷۴).

یکی از حقوقدانان در مورد ماهیت مصادره به چند نکته اشاره کرده و چنین می‌نویسد:

۱- اخذ مال از متصرف آن خواه تصرف او به عنوان مالکیت باشد خواه نه، خواه مال مذکور منقول باشد یا نه، از اعیان باشد یا نه؛ ۲- اخذ مال به توسط دولت (دیوان) صورت گیرد. به همین رو آن را ضبط دیوان هم گفته‌اند. اگر اخذ، غیردولت باشد عنوان مصادره ندارد یا غصب است یا نهب و امثال اینها؛ ۳- دستاویز اخذ آن مال، وقوع تخلفی از متصرف آن مال باشد؛ خواه تخلف اداری باشد خواه جرمی از جرمها (مالی مانند اختلاس یا غیرمالی مانند اعمال نفوذ و سوءاستفاده از قدرت). ذکر این عنصر محمول بر اغلب است زیرا مصادره بی جرم همگام رخ می‌دهد چنانکه در داستان‌های بیدپای آمده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴: ۳۳۷۵).

¹- Black

معنای اصطلاحی مصادره نیز کاملاً مرتبط با معنای لغوی آن است. در اصطلاح حقوقی، مصادره به تملیک مال به دولت و محرومیت دائمی مالک از تمام یا قسمتی از اموال خود بدون جبران خسارت اطلاق می‌شود (محمدی، ۱۳۸۹: ۳۹).

۳- روش تحقیق

نوع تحقیق این پژوهش نظری- کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی (منطقی) می‌باشد. خط‌مشی روش شناختی و روش انجام تحقیق با توجه به ماهیت موضوع، اهداف و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی-تحلیلی است، که در این راه با استفاده از ابزار فیش برداری از منابع مکتوب و استفاده از سایت‌های اینترنتی به گردآوری اطلاعات اقدام شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات، به روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد

۴- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال آمریکا

اهمیت استراتژیک ایران در منطقه از جمله دلایل توجه غرب به خصوص آمریکا به این کشور است. در دوران سلطنت پهلوی، تسلط آمریکا بر حاکمیت ایران موجب دسترسی بیشتر این کشور به ذخایر ایران شد. در این میان آمریکا که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در میان کشورهای استعمارگر دست بالا را در ایران داشت کم‌کم جای پای محکمی در این منطقه برای خود ایجاد کرد (حسینی، ۱۳۹۷: ۲۳۴). پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، باعث گسست و تحولات عمیقی در تمامی عرصه‌های کشور شد. این تحولات نه تنها در عرصه تاریخ سیاسی، اجتماعی ایران، بلکه در گستره جهانی اسلام پایه‌گذاری و آغاز گردید و به موازات تغییرات بنیادین در چارچوب حکومت و اداره کشور، دیپلماسی هم‌دستخوش تحولات عمیقی گردید که در این راستا مبانی ارزشی انقلاب الهام گرفته از احکام دین مبین اسلام، اهرم تغییرات را در ساختار دیپلماسی برعهده داشتند (حاتمی راد، ۱۳۸۵: ۱۵۷).

رهبران آمریکا تصور می‌کردند موج انقلاب اسلامی در ایران فرو می‌نشیند و آمریکا بار دیگر می‌تواند سیاست‌های سلطه طلبانه خویش را در ایران دنبال نماید. اما پیروزی انقلاب اسلامی و اتفاقات و رویدادهای بعد از آن سرنوشت دیگری را رقم زد. پیروزی انقلاب اسلامی، در مواجهه با سلطه طلبی آمریکا در ایران بود. در پی این رویداد مهم، یک ذهنیت ضدآمریکایی در میان ایرانیان شکل گرفت که هنوز پس از سپری شدن چند دهه از پیروزی انقلاب جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک ارزش و فرهنگ تبدیل شده است (علیزاده، ۱۳۸۸: ۹۲).

هر انقلابی دارای اهداف، آرمان و شعارهایی است که ریشه در ایدئولوژی انقلاب و فرهنگ آن جامعه دارد. این شعارها بیان کننده نگرش ایدئولوژی انقلاب، انقلابیون و توده‌های انقلابی نسبت به وضع نابسامان موجود، اهداف و ویژگی‌های نظام آرمانی و نحوه انتقال جامعه از وضع موجود به وضع آرمانی هستند. از این روست که شعارهای هر انقلاب از اسناد گران‌بها و یکی از مهم‌ترین منابع مطالعه فرآیند، ارزش‌ها و آرمان‌های آن انقلاب و زمینه‌های اجتماعی و علل وقوع آن به شمار می‌روند، انقلاب اسلامی ایران نیز از این موضوع مستثنی نیست (پناهی، ۱۳۷۹: ۶۵).

انقلاب اسلامی، ارزش‌های مختلفی را به دنبال داشت که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تجلی یافته‌اند که می‌توان به حمایت از ملل مستضعف (اصل ۱۵۴ قانون اساسی)، حمایت از جنبش‌های اسلامی (مقدمه قانون اساسی) و استکبارستیزی (بند ج اصل ۲ قانون اساسی) اشاره نمود. انقلاب ۵۷، برپایه چنین تفکری به مقابله با ستمگران و حمایت از ملل مستضعف پرداخته است و به همین دلیل، مورد خشم و غضب آمریکا و متحدانش قرار گرفته است. بنابراین می‌توان گفت، اصلی‌ترین ارزش انقلاب اسلامی ایران، حمایت از مستضعفین و استکبارستیزی است که در مقدمه قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است.

قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به‌ویژه در گسترش روابط بین‌الملل، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد. با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی، و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند (هاشمی، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۴).

امام خمینی در تنظیم روابط با کشورهای جهان سوم، اساس ارتباط را بر مقابله با ظلم و ستم و برتری جویی قدرتهای چپ‌اولگر به اینگونه ممالک می‌دانستند تا از این رهگذر، از دخالت‌های بیگانگان و تحقق رابطه ظالم و مظلوم میان آنان و دول استکباری ممانعت به عمل آید تا روابط مزبور زمینه ساز حکومتی عادلانه در کشورهای مستضعف گردد.

«از خدای تعالی موفقیت همه ملل مستضعف جهان را در راه رسیدن به پیروزی و آزادی کامل از سلطه گران جهان به خصوص امریکای جهانخوار مسألت می‌نمایم» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۲۲۷).

در خصوص روابط دوستانه با کشورهای کافر غیرمتحارب، امام اولویت را به کشورهای مستضعف می‌دادند و در درجه دوم اهمیت، ارتباط با کشورهای قدرتمند غیراستکباری را در صورتی که درصدد مداخله در امور داخلی ایران برنیاید و اصل احترام متقابل را رعایت کنند مجاوز می‌دانستند. به منظور ترویج اندیشه آزادی و حرمت انسان در کل جهان، حضرت امام حمایت مادی و معنوی از نهضت آزادیبخش و جنبش مستضعفان را در مناطق مختلف جهان وجهه همت خود قرار داده بودند و وظیفه نظام اسلامی می‌دانستند که برای نجات ملل تحت ستم و مستضعف تلاش کند تا از این رهگذر بسیج انقلابی طرفداران عدم تعهد به دو بلوک شرق و غرب در سراسر گیتی تحقق یابد و هسته‌های مقاومت در تمامی جهان بوجود آید تا قدرتهای استکباری به سرشکستگی سوق داده شوند «بسیج تنها منحصر به ایران نیست باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۱۹۸).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در این زمینه اشاره کردند: «استکبار در گذشته هم بوده است و تا امروز هم ادامه دارد. استخوان بندی استکبار در همه دوره‌ها یکی است، البته شیوه‌ها و خصوصیات و روش‌ها در هر زمانی تفاوت می‌کند. امروز هم نظام استکباری وجود دارد، رأس استکبار هم در دنیا، دولت ایالات متحده آمریکا است».

مقام معظم رهبری همواره در پیام‌ها و سخنرانی‌ها، در استکبارستیزی تاکید کرده و فرمودند: «ما صریحاً به همه ملت‌های جهان اعلام می‌کنیم که تفکر «خاتمه یافتن دوران امام خمینی، که دشمن با صد زبان سعی در القای آن دارد، نیرنگی استکباری بیش نیست و علیرغم خواست امریکا و همکارانش امام در میان ملت خود و جامعه خود حاضر است و دوران امام ادامه دارد و خواهد داشت. راه او راه ما، هدف او هدف ما و رهنمود او مشعل فروزنده ماست. امام به ما یاد دادند که جمهوری اسلامی در سطح عالم می‌تواند و باید از روابطی سالم با دولت‌ها برخوردار بشود؛ البته رابطه با امریکا مردود است؛ بخاطر اینکه او یک دولت استکباری و متجاوز و ظالم و با اسلام و جمهوری اسلامی در حال مبارزه و محاربه است» (بیانات رهبری، ۱۳۷۱/۳/۱۴).

مولفه‌هایی که به طور مشخص در قانون اساسی به مثابه اهداف سیاست خارجی ایران شناخته می‌شود به طور خلاصه به شرح ذیل است: سعادت انسان در کل جامعه بشری (اصل ۱۵۴ ق.ا)، حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین (اصل ۱۵۴ ق.ا)، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان (اصل ۳ ق.ا)، ائتلاف و اتحاد ملل مسلمان و وحدت جهان اسلام (اصل ۱۱ ق.ا) و نفی هرگونه ستمگری و ستم کشی، نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری (اصل ۲ ق.ا)، عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه‌گر (اصل ۱۵۲ ق.ا)، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب (بند ۵ اصل ۳ ق.ا)، حفظ تمامیت ارضی (بند ۱۱ اصل ۳ ق.ا)، نفی و اجتناب از پیمان‌هایی که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصاد کشور فرهنگ و ارتش (اصل ۱۵۳ ق.ا)، می‌گردد (حاتمی راد، ۱۳۸۵: ۱۷۵).

۵- سیاست آمریکا در قبال ایران

پیروزی انقلاب اسلامی بحران‌های مختلفی برای آمریکا به همراه داشت. در متن جنگ سرد باعث گسسته شدن کمر بند امنیتی غرب به دور شوروی شد. همچنین موج انقلابی و ترس از شیوع دومینووار تحولات انقلابی در کشورهای هم پیمان آمریکا سیاستمداران آمریکایی را دچار وحشت کرد و ضربه سختی به منافع آمریکا وارد نمود. تداوم بحران‌های پیشروی آمریکا پس از انقلاب اسلامی، سبب گردید که واشنگتن روابط سیاسی و رسمی خود را با ایران قطع نماید. تجاوز به طبع اقدام عجولانه آمریکا بود که با شکست روبرو شد. به دنبال آن خصومت‌های ضدایرانی آمریکا شدت بیشتری گرفت (علیزاده، ۱۳۸۸: ۹۴).

رویکرد دولت آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی مبتنی بر اعمال فشار چندجانبه و ایجاد ائتلاف بین‌المللی بوده است. می‌توان گفت، بازنده اصلی وقوع انقلاب اسلامی ایران؛ استکبار جهانی به رهبری آمریکاست. چرا که کشوری که تا قبل از انقلاب اسلامی هرکاری که اراده می‌کرد در ایران انجام می‌داد، انقلاب اسلامی، دست امثال چنین کشورهایی را قطع و راه استقلال و مبارزه با استکبار و استعمار را در پیش گرفت. بر همین اساس در بیش از چهارده گذشته انواع اقدامات خصمانه را از سوی آمریکا از همان روزهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون علیه مردم و نظام جمهوری اسلامی صورت گرفته است.

از جمله اقدامات خصمانه آمریکا علیه ایران می‌توان به جنگ ۸ ساله و حمایت‌های مالی مستقیم از صدام، انهدام هواپیمای مسافربری، تحریم‌های هواشنمندان جهت تضعیف قدرت

ملی، متهم کردن جمهوری اسلامی ایران با طرح ادعاهایی بی‌اساس همچون نقض حقوق بشر در ایران، حمایت ایران از تروریسم و گروه‌های تروریستی در جهان، تلاش ایران برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و اختلال در روند صلح خاورمیانه، کوشید تا هم نظام مقدس جمهوری اسلامی را از لحاظ سیاسی منزوی سازد (سیمبر، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

دولت آمریکا به بهانه تروریسم خواندن ایران در حمایت مالی از گروه‌های حزب‌الله، حماس، از یک سو و ایجاد نارضایتی در داخل را از سوی دیگر پیش گرفت و بر مبنای همین سخن، اقدام به مصادره اموال و دارائی‌های ایران زد (karzman, 2019: 9-11).

نمونه بارز این امر را می‌توان در قضیه شرکت لوکزامبوگی دید. در این قضیه دادگاه فدرال آمریکا در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۲۳ دستور مصادره ۷۵/۱ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران را نزد شرکت لوکزامبوگی در حساب بانکی آن در شرکت سیتی بانک نیویورک بود را صادر نمود و در اختیار مدعیان پرونده پترسون قرار داد (فروغی و عباسی، ۱۳۹۸: ۱۶۶).

مثال دیگر، قضیه فلاتو می‌باشد. در ۹ آوریل ۱۹۹۵ یک دانشجوی امریکایی به نام آلیسا میشل فلاتو به همراه چند نفر دیگر در یک عملیات انتحاری کشته شدند. طبق اظهار نظر مقامات امریکایی، شاخه فتحی شقاقی از حزب جهاد اسلامی فلسطین، مسئولیت این انفجار را پذیرفته است. در ۱۱ مارس ۱۹۹۸ دادگاه ایالات متحده حکمی به مبلغ ۲۴۷ میلیون دلار به‌عنوان خسارت مالی و خسارت تنبیهی به نفع خانواده خانم فلاتو و علیه دولت و سازمان‌های ایرانی به اتهام حمایت از جهاد اسلامی فلسطین صادر کرد. این قضیه اگرچه یکسال قبل از تصویب اصلاحیه تروریسم حادث شد ولی کنگره امریکا آن را مشمول عطف به ماسبق تشخیص داد و پیرو قانون (e) ۱۶۰۸ و ماده (a) ۵۵ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال، در تاریخ ۴ سپتامبر ۱۹۹۷ دادگاه بخش، بدون حضور هیأت منصفه حکمی غیابی علیه خواننده‌ها صادر کرد (999 F Supp 1(D CDC 1998)6).

قاضی دادگاه بیان داشت که گروه شقاقی جهاد اسلامی فلسطین، گروهی است که مسئولیت حمله انتحاری را بر عهده گرفته است و در جریان این حمله فلاتو کشته شده است. البته یافته کنگره بر مبنای شهادت‌نامه چند نفر، از جمله معاون سابق اف بی ای و تحقیقات دولت رژیم اشغالگر بوده است. به عقیده دادگاه: «جهاد اسلامی یک گروه غیرمنسجم است نه یک گروه سازمان یافته و تنها هدف این گروه اداره‌ی اعمال تروریستی در منطقه غزه می‌باشد و تنها منبع تأمین مالی آن جمهوری اسلامی ایران است» (999 F Supp 1(DCDC)

دادگاه در این قضیه بیان داشت که: «... ارائه منظم کمک‌های مالی به یک گروه تروریستی برای حمایت از عملیات‌های تروریستی آن «حمایت مادی و تأمین منابع مالی برای یک فعالیت تروریستی در معنای مورد نظر (V)(a) ۱۶۰۵ محسوب می‌شود... به علاوه این دادگاه لازم نمی‌داند که خواهان ثابت کند که حمایت مادی یا مالی به عمل آمده از سوی یک دولت خارجی برای یک عمل تروریستی مستقیماً منجر به بروز خساراتی شده است که دعوی برای جبران آن‌ها اقامه شده است. صرف حمایت از یک گروه تروریستی که منجر به مرگ یا جراحات جسمانی یک تبعه ایالات متحده بشود، برای احراز صلاحیت دادگاه کافی است» (999 F Supp 1(DCDC 1998)18).

دادگاه در این قضیه مبلغ ۱۵۰۸۷۵۰ دلار را به عنوان درآمد متناسب و قابل پیش بینی قربانی پذیرفت. دادگاه علاوه بر حکم به خسارت ناشی از فوت «درآمدهای کل عمر» قربانی، به مبلغ ۵ میلیون دلار برای هر یک از والدین و ۲/۵ میلیون دلار برای هر یک از برادران و خواهران قربانی به عنوان خسارت‌های ناشی از جریحه‌دار شدن احساسات یا از دست دادن عزیزان حکم صادر کرد. دادگاه با در نظر گرفتن عوامل زیر مبلغ خسارت تنبیهی را محاسبه کرد. این عوامل عبارتند از: ۱- ماهیت عمل، ۲- ماهیت و میزان صدمات وارده به خواهان، ۳- نیاز به ارباب خوانده، و ۴- تمول خوانده. از نظر دادگاه، تمامی این عوامل بر صدور خسارات تنبیهی سنگین علیه خوانده دخالت دارند. دادگاه استدلال کرد که حمله‌ی برنامه‌ریزی شده به خواهان فراتر از آستانه‌ی توانایی بشری در تحمل درد و رنج ناشی از آن است؛ زیرا قربانی از فرورفتن ترکشی به مغزش جان سپرده است. دادگاه بیان داشت که ایران سالانه ۱۲ میلیون دلار درآمد نفتی دارد. هیچ مجازاتی به تنهایی ایران را از ارتکاب چنین فعالیت‌هایی باز نخواهد داشت. دادگاه بیان داشت که مجازات علیه ایران باید به قدری شاق باشد که آن کشور را در آینده از ارتکاب اعمال تروریستی که مرتکب شده، باز دارد. بر مبنای این تحلیل دادگاه مبلغی در حدود ۲۲۵ میلیون دلار به عنوان خسارت تنبیهی برآورد کرد؛ یعنی حدود سه برابر هزینه‌ها و کمک‌های سالانه ایران برای فعالیت‌های تروریستی (999 F Supp 1(DCDC 1998) 33_34)

۶- مصادره اموال و دارایی در نظام‌های حقوقی

یکی از اقدامات خصمانه آمریکا علیه ایران، مصادره اموال و دارائی‌های این کشور بود. این اقدام آمریکا در جهت تضعیف و تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرفت. اما ضروری است از نظر حقوقی این اقدام آمریکا مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص

گردد از دیدگاه نظام حقوقی چه جایگاهی دارد. بر این اساس ابتدا این موضوع از منظر حقوق داخلی مورد بررسی قرار گرفته، سپس به دیدگاه حقوق بین الملل اشاره می‌گردد.

۱-۶- مصادره اموال ایران از منظر حقوق داخلی در نظام حقوقی کشور

در جوامع مختلف مصادره با اهداف و شرایط مختلفی انجام می‌شود. از جمله اصولی که در حقوق ایران به مصادره اموال پرداخته اصل ۴۹ قانون اساسی می‌باشد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران ضرورت تعیین تکلیف نسبت به اموال بجا مانده از وابستگان رژیم گذشته و افرادی که به نحوی با آن رژیم در ارتباط بودند امری اجتناب‌ناپذیر بود، در این میان اولویت تعیین تکلیف اموال، متوجه خاندان سلطنتی و افراد نزدیک به آنها و خویشان وابسته به آن رژیم بود.

بر این اساس ضرورت داشت که دادگاه‌های ویژه‌ای، مسئولیت صدور حکم راجع به این موارد را برعهده بگیرند. اصل ۴۹ این قانون چنین مقرر می‌دارد که: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحبان حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود».

پس از این مقررات قانونی دیگری در مقام تحقق بخشیدن به اصل مذکور به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، این مقررات عبارت بودند از: قانون الزام دولت جهت تهیه لایحه پیاده کردن اصل ۴۹ در مدت چهار ماه مصوب ۱۳۶۰/۰۵/۰۲ مجلس شورای اسلامی، قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۳/۰۵/۱۷ مجلس شورای اسلامی، قانون تمدید مهلت مقرر در تبصره ماده ۴ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۴/۰۵/۱۴ و قانون شمول اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی در مورد ثروت‌های ناشی از احتکار و گرانفروشی و قاچاق مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۲۹ مجلس شورای اسلامی (ابوالحمد، ۱۳۸۹: ۱۲).

با توضیحات مذکور دادگاه‌های ویژه اصل ۴۹ قانون اساسی با هدف تعیین تکلیف نسبت به مصادیق اصل ۴۹ قانون اساسی و بررسی اموال بجا مانده از وابستگان رژیم گذشته و همچنین بررسی و صدور حکم نسبت به اموال بجا مانده از افرادی که در فرامین بعدی حضرت امام و مقام معظم رهبری آمده‌اند، شکل گرفت.

در نظام حقوقی ایران، جهات مصادره اموال را می‌توان به شرح ذیل نام برد. به عنوان کیفر و مجازات مجرمی که در اثر ارتکاب جرم و از طریق مجرمانه آن اموال و اشیا را به دست آورده، دادگاه حکم به مصادره اموال می‌دهد و دوم به منظور احقاق حقوق عمومی و اعاده اموال به غارت برده شده از بیت‌المال عمومی توسط مجرم، گاهی دادگاه حکم به مصادره اموال به غارت برده شده یا برای اعمال مجرمانه می‌دهد (مثل حکم به ضبط دائم اسلحه غیرمجاز) (عسگری، ۱۳۹۵: ۹-۱۰).

در قوانین کیفری نیز، با لحاظ ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی که مجازات‌ها را به ۴ دسته تقسیم کرده است؛ واضح است که ضبط و مصادره اموال، مجازات حدی، قصاص یا دیه نیست، زیرا این مجازات، از جمله مجازات‌های حدی خصوص در شرع یا میزان و مقدار معین نیست. مجازات مصادره اموال با تعریف قصاص مذکور در ماده ۱۶ قانون که ناظر بر صدمه به جسم و جان انسان است هم تطابق ندارد و همچنین داخل در مفهوم دیه مذکور در ماده ۱۷ قانون نمی‌باشد. بنابراین باید گفت مصادره اموال به نوعی مجازات تعزیری است (منتظری، ۱۳۸۰: ۵۰۸).

در ایران مقامات صالح برای مصادره اموال هم از قوه قضائیه هستند و هم از ماموران قوه مجریه هستند. بر اساس ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی بازپرس یا دادستان مقاماتی هستند که باید با لحاظ شرایط مقرر در این ماده تکلیف اموال مکشوفه که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده را مشخص کنند.

در نگاه اول این طور به نظر برسد که بازپرس یا دادستان رأساً می‌توانند اموال را ضبط و مصادره کنند چرا که وقتی آن‌ها اختیار معدوم نمودن اموال مذکور را دارند، بنابر قیاس حق مصادره را نیز خواهند داشت. ولی در این مورد باید گفت از آنجا که تنها دادگاه تکلیف اموال ضبط شده را مشخص می‌کند پس ضبط هم باید با تصمیم دادگاه باشد؛ از طرف دیگر با نظر به منطوق حقوقی اگر بازپرس یا دادستان مجاز به ضبط باشند، یعنی مجاز هستند که رابطه مالکانه مالک با مالش را به صورت کامل قطع کنند در حالی که واضح است بازپرس مقام تحقیق و دادستان مقام تعقیب است (شاکری و هادی زاده، ۱۳۹۵: ۱۵۶).

اینکه مصادره مجازات می‌باشد و اجرای آن نیاز به حکم دارد، لذا با توجه به تردید در اضافه بر اختیار بازپرس و دادستان، این مقامات چنین اختیاری در مصادره مال را ندارند. به عبارتی نص فوق‌العاده‌ای در این خصوص وجود ندارد که ایشان تصمیم به ضبط مال بگیرند

بنابراین می‌توان گفت که دادستان یا بازپرس تنها می‌توانند اموال را مستند به ماده ۱۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری توقیف کند و با پیشنهاد ضبط و مصادره را به دادگاه بدهند در هر حال ضبط صرفاً با حکم دادگاه انجام می‌شود.

دادگاه ذی‌صلاح ذاتاً نسبت به جرم اصلی صالح به اتخاذ تصمیم ضبط نیز خواهد بود، و الا حکم به ضبط مال اعتبار نخواهد داشت، چراکه قانون به اجرا در نیامده است. بنابراین اگر جرمی در صلاحیت دادگاه عمومی کیفری باشد ضبط و مصادره مربوط به آن جرم نیز در همان دادگاه صورت می‌گیرد و اگر جرمی در صلاحیت دادگاه انقلاب باشد، اموال موضوع ضبط و مصادره نیز در صلاحیت دادگاه انقلاب خواهد بود. همین‌طور است در خصوص دادرسی و دادگاه‌های نظامی چراکه قانون‌گذار در ماده ۵۹۷ آیین دادرسی کیفری مقررات این قانون را بر دادرسی و دادگاه‌های نظامی هم مجری دانسته است در مورد دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت نیز با لحاظ ماده ۵۲ آیین‌نامه دادگاه ویژه روحانیت در نبود مقررات خاص آن‌ها، تابع آیین دادرسی کیفری خواهند بود پس تصمیم به ضبط و مصادره مال با دادگاه ویژه روحانیت است و دادرسی در این نوع موارد مجاز به اتخاذ تصمیم ضبط نخواهند بود. (شاکری و قلی‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۸۳).

اجرای حکم ضبط و مصادره اموال در خصوص برخی جرائم، از جمله قسمت پایانی اصل ۴۹ قانون اساسی بعد از تحقیق و رسیدگی با دولت خواهد بود. از آنجا که دولت به معنای خاص (قوه مجریه) صلاحیت رسیدگی و دخالت در امر قضایی را ندارد لذا دولت در این اصل به معنی حاکمیت است که اعمال آن از طریق قوه قضائیه و با مباشرت دادگاه انجام می‌شود.

قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۶۳ به تصویب رسیده رسیدگی به اموال مربوط به اصل ۴۹ قانون مزبور را در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب قرار داده است. از طرف دیگر باید توجه داشت که دادگاه انقلاب صرفاً در خصوص اموال نامشروع مشمول اصل ۴۹ قانون اساسی تعیین تکلیف می‌کند و صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا مانند ربا یا قمار را نخواهد داشت لذا دعاوی مذکور در صلاحیت دادگاه صالح (دادگاه عمومی جزایی) خواهد بود، در این زمینه می‌توان به رأی وحدت رویه شماره ۶۸۲-۱۳۸۴/۱۰/۶ صادره از هیات عمومی دیوان عالی کشور اشاره کرد (قربانی، ۱۳۹۰، ۶۷۱).

۲-۶- مصادره اموال و دارائی‌های ایران از منظر حقوق بین‌الملل

اصل احترام متقابل و برابری حاکمیت، از جمله قواعد بین‌المللی پذیرفته شده در جامعه بین‌المللی است. از طرفی، مصونیت قضایی دولت‌ها و اموالشان، در معاهدات مختلفی پذیرفته شد که آخرین معاهده مربوط به کنوانسیون ۲۰۰۴ سازمان ملل متحد راجع به مصونیت دولت‌ها و اموالشان است (فروغی و عباسی، ۱۳۹۸: ۱۶۵).

اصل برابری دولت‌ها در اصل سنتی حقوق روم که مطابق آن «برابرها بر یکدیگر صلاحیت (برتری) ندارند»، ریشه دارد. مطابق این اصل که اساساً مربوط به تنظیم توزیع داخلی قدرت در داخل مرزهای صلاحیتی امپراتوری روم بوده است، پذیرفته شده بود که پادشاه حاکم نباید تحت صلاحیت قضایی داخلی یا خارجی قرار گیرد (Steinberger, 1989: 429).

بر پایه اصلی دیرپا در حقوق بین‌الملل عرفی، دولت‌های مستقل و حاکم، حق دارند فارغ از تعرض و دخالت دولت‌های دیگر، حکمرانی و اعمال صلاحیت کنند.

این اصل که به معنی عدم توانایی هیچ دولتی برای به محاکمه کشاندن دولتی دیگر بوده و از اصل قدیمی «برابرها را بر یکدیگر سلطه‌ای نیست» ناشی شده است، مصونیت دولت‌ها خوانده می‌شود که با پیدایش حقوق بین‌الملل به این نظام حقوقی راه یافته و مبنایی عرفی به دست آورده است. به موجب اصل مصونیت، یک دولت توسط دادگاه‌های دولتی دیگر مورد رسیدگی یا محاکمه قرار نخواهند گرفت (Shaw, 2008: 698).

ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۸ با تصویب قانونی با عنوان «قانون مجوز دفاع ملی آمریکا برای سال مالی ۲۰۰۸»، «قانون مصونیت دولت‌های خارجی» مصوب ۱۹۷۶ را که در سال ۱۹۹۶ نیز دست به اصلاح آن زده بود، دچار دگرگونی‌هایی کرد. مهم‌ترین تغییری که قانون اخیر نسبت به اسلاف خود داشت، افزودن قید دولت‌های حامی تروریسم به استثنائات اصل مصونیت بود (حبیبی و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۹).

نظر به اصلاحات و تغییراتی که در قانون مصونیت دولت خارجی به عمل آمد، به طور کلی دادگاه‌های آمریکا به استناد استثنای حامی تروریسم و همچنین تغییر به عمل آمده در حذف رابطه سرزمینی در خصوص ارتکاب شبه جرم، آرای متعددی را به خصوص علیه دولی چون ایران، کوبا، سوریه، لیبی و عراق صادر کرده‌اند (عبداللهی و ژوبین نصیری، ۱۳۸۶: ۲۷۹).

بخش اعظم دعاوی ای که علیه جمهوری اسلامی ایران اقامه شد ناشی از خسارات وارده به اتباع امریکایی در اثر اقدامات گروه‌های لبنانی و فلسطینی بوده است. در خصوص قضایای مطرح شده علیه جمهوری اسلامی ایران این سؤال مطرح می‌شود که رفتار این گروه‌ها به چه نحوی به ایران قابل انتساب است؟ در قضیه فلاتو، مسئولیت ایران به علت حمایت مادی و مالی از جنبش جهاد اسلامی فلسطین از طرف دادگاه مورد پذیرش قرار گرفت (Case No. 97-396 (RCL), p17).

قاضی لامبرث در این قضیه به استناد قانون ضدتروریسم حکم نمود که، چنانچه کارگزاران، مقامات یا کارکنان یک دولت خارجی از یک سازمان تروریستی حمایت مادی کنند، این اعمال بر اساس قانون ضدتروریسم به مانند اقدامی در نظر گرفته خواهد شد که از سوی ارکان آن دولت انجام گرفته است (سادات میدانی، ۱۳۸۳: ۱۴).

در پرونده ایزنفیلد، دادگاه بخش کلمبیا رأی داد که حماس از خوانده (ایران) حمایت مادی و فنی وسیعی دریافت کرده است و ایران هر ماه ۱۵ میلیون دلار به این سازمان کمک می‌کند و در زمینه کاربرد جنگ افزارها و مواد منفجره، آموزش‌هایی را به آن‌ها ارائه می‌دهد (Case No. 98-1945 (RCL), p5).

در روابط بین‌المللی همانند روابط اجتماعی تعدی هر شخص به منافع حقوقی شخص دیگر جامعه بین‌المللی موجب مسئولیت می‌شود. مسئولیت بین‌المللی معمولاً به دولت به عنوان مهمترین شخص حقوق بین‌الملل مربوط می‌شود هر چند معمولاً نمی‌توان آن را از اشخاص حقوق بین‌الملل یعنی سازمان‌های بین‌المللی و در بعضی موارد افراد به طور کامل جدا نمود. تعاریف مختلفی از مسئولیت بین‌المللی شده است که بعضاً مکمل یکدیگرند. برای مثال برخی از نویسندگان مسئولیت بین‌المللی را نتیجه نقض یک تعهد و الزام بین‌المللی می‌دانند. برخی دیگر نیز با توجه به اینکه اثر و هدف مسئولیت جبران خسارت وارده بر زیان‌دیده است هر جا سخن از مسئولیت بین‌المللی می‌رود و موضوع «جبران خسارت» را نیز مطرح می‌کنند از جمله این نویسندگان پروفیسور «بدوان» است که مسئولیت بین‌المللی را چنین تعریف می‌کند: «مسئولیت بین‌المللی، یک نهاد حقوقی است که به موجب آن دولتی که عمل خلاف بین‌المللی به او منتسب است باید خسارت وارد شده به دولت متضرر را طبق حقوق بین‌الملل جبران کند» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۴۰۸).

هنگامی برای یک دولت مسئولیت بوجود می‌آید که این دولت با فعل و ترک فعل خود تعهداتش را براساس هر قاعده‌ای از حقوق بین‌الملل نقض کند از آنجا که دولت‌ها اشخاص حقوقی‌اند این سؤال پیش می‌آید که اعمال چه کسانی به عنوان اعمال دولت تلقی می‌شود تا در صورت غیر قانونی بودن عمل خلاف حقوق بین‌الملل محسوب گردد. طبق تعریف حقوق بین‌الملل مسئولیت دولت، مسئولیت به خاطر نقض به صورت عمل افرادی است که رفتارشان را می‌توان رفتار دولت تعبیر کرد و بنابراین قابل انتساب به دولت است.

به عبارت دیگر از آنجا که دولت به عنوان شخص حقوقی به طور واقعی قادر به عمل نیست لذا عمل نسبت داده شده به آن فعل و ترک فعل‌های فرد یا گروه افراد است فردی که عملش به دولت نسبت داده می‌شود به عنوان رکن دولت عمل می‌کند و حقوق داخلی معلوم می‌دارد که تحت چه شرایطی فرد به عنوان رکن دولت اعم از ریش دولت، اعضای قوای سه‌گانه (مقننه مجریه و قضاییه) و اعضای هر تشکیلات دولتی دیگر مجاز است تعهدات دولت براساس حقوق بین‌الملل را اجرا کند بنابراین برای پاسخ به این سؤال که عمل یک فرد عمل دولت است یا نه باید به نظم حقوقی داخلی مراجعه نمود اما این مسئله همیشه معتبر نمی‌باشد و اعمال افراد دیگر به عنوان رکن دولت عمل کنند در هر شرایطی حتی اگر اعمال آن‌ها خارج از صلاحیت تعریف شده در حقوق داخلی دولت مزبور باشد منتسب به دولت خواهد بود در خصوص انتساب اعمال افراد خصوصی به دولت اصل این است که اعمال آنها منتسب به دولت نخواهد بود مگر تحت شرایط خاص که مورد بررسی خواهد گرفت. پس از اینکه مشخص گردید چه عملی را می‌توان عمل دولت دانست برای احراز مسئولیت بین‌المللی دولت لازم است که آن عمل نقض تعهدات بین‌المللی نیز به شمار آید (رکن موضوعی مسئولیت بین‌المللی) منشاء این تعهد ممکن است معاهده یا عرف بین‌المللی، حکم یک مرجع صلاحیت‌دار بین‌المللی یا حتی یک اصل عام حقوق بین‌الملل باشد، لازم به ذکر است که در اینجا منظور از تعهد بین‌المللی فقط تعهدات حقوقی دولت طبق حقوق بین‌الملل است و سایر تعهدات دارای ماهیت اخلاقی یا تعهدات مبتنی بر نزاکت را شامل نمی‌گردد (بوشهری، ۱۳۹۰: ۷).

اما در خصوص مصادره اموال و دارایی ایران از سوی آمریکا، می‌توان گفت، طرح مسئولیت دولتها که در سال ۲۰۰۱ بعد از تلاش‌های زیاد کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد تهیه شد لیکن به جهت عدم اجماع دولتها تاکنون به صورت یک معاهده و کنوانسیون بین‌المللی در نیامده است. با وجود این، بر قواعد حقوق بین‌الملل سایه افکنده و

آن را متأثر ساخته است و استناد دیوان در قضیه لاگرانند، قضیه آواناو چندین قضیه دیگر نشان از افزایش اعتبار روزافزون طرح مذکور است.

به موجب ماده ۱ طرح مسئولیت دولتها، هر عمل متخلفانه بین المللی یک کشور، مسئولیت بین المللی آن کشور را به دنبال دارد. بر طبق ماده ۲ عمل متخلفانه بین المللی یک کشور هنگامی واجد است که رفتار در برگیرنده یک فعل یا ترک فعل:

الف- به موجب حقوق بین الملل، قابل انتساب به کشور باشد؛

ب- نقض تعهد بین المللی کشور را بنیان گذارد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۴۰۸).

ماده ۴ این طرح در خصوص انتساب رفتار نهادهای وابسته به دولت‌ها اشعار می‌دارد: «رفتار هر ارگان کشوری، باید به موجب حقوق بین الملل، به عنوان عمل آن کشور دانسته شود؛ خواه آن ارگان، تقنینی، اجرایی، قضایی یا هر وظیفه دیگر را صرف نظر از موقعیتی که در سازمان کشور دارد و صرف نظر از ویژگی آن به عنوان ارگانی از دولت مرکزی یا واحد سرزمینی کشور اعمال کند. لذا با توجه به مراتب مذکور، پرواضح است که رفتار محاکم و کنگره ایالات متحده آمریکا منتسب به دولت آمریکا است، زیرا کنگره و دادگاه‌های صادر کننده حکم محکومیت در پرونده پترسون از نهادهای ایالات متحده هستند و مشمول بند (الف) ماده ۲ طرح مسئولیت دولتهاست و اقدام آنها به جهت ایراد خسارت به دولت جمهوری اسلامی ایران و مصادره اموال بانک مرکزی بر خلاف قواعد حقوق بین الملل و عهدنامه مودت (بر طبق ماده ۱۲ و ۱۳ طرح مذکور) بوده و منطبق بر ماده ۱، بند (ب) ماده ۲ و ماده ۴ طرح یادشده بوده و موجب مسئولیت ایالات متحده است (فروغی و عباسی، ۱۳۹۸: ۱۸۴).

از طرفی، اقدام دولت آمریکا فاقد شرایط مانع (رضایت، اضطرار، اقدام متقابل، ضرورت، دفاع مشروع، فورس ماژور و قواعد آمره) بر اساس فصل پنجم طرح کیفیات مانع متخلفانه بودن بوده است و چون هدف از مسئولیت دولت‌ها چیزی جز برقراری عدالت و نظم جامعه بین الملل نیست که با جبران خسارت یا اعاده وضع به حالت سابق یا جلب رضایت، عدالت و نظم بین المللی برقرار خواهد شد و این خواسته کاملاً طبیعی و معقول است اگر میان فعل شخص مسئول و خسارت وارده رابطه علیت برقرار باشد، هم او نیز باید اقدام به بازسازی حق تضییع شده کند (Garner, 2009: 1413).

بر همین اساس، برابر مقررات و اصول حاکم بر حقوق بین الملل، مصادره اموال و دارائی‌های جمهوری اسلامی ایران از طرف آمریکا مشروعیت قانونی ندارد. در خصوص

قضایایی که در آن آمریکا اقدام به مصادره اموال و دارایی ایران زد، که از جمله آن می‌توان به قضیه پترسون اشاره نمود، دولت آمریکا می‌بایست هرگونه ضرر و زیان مادی و معنوی وارده به ایران را جبران کند و طبق ماده ۳۲ کشور مسئول دولت آمریکا، نمی‌تواند بر مقررات قانون داخلی، به عنوان توجیهی برای قصور در مطابقت با تعهداتش اتکا کند.

۷- نتیجه گیری

آمریکا در چند سال اخیر تلاش داشت از راهکارهای مختلفی از جمله تحریم اقتصادی، متهم نمودن ایران به حمایت از تروریسم، نقض حقوق بشر و تلاش برای داشتن سلاح‌های هسته‌ای و نیز مصادره اموال و دارایی‌های ایران، نظام جمهوری اسلامی ایران را وادار به تسلیم و تمکین نماید. در ایالات متحده، مصونیت محدود به طور رسمی در سال ۱۹۵۲ از سوی وزارت امور خارجه به طریق نامه‌ای موسوم به نامه «تیت» پذیرفته شد و بدین ترتیب صلاحیت محاکم ایالات متحده بر دعاوی علیه دولت‌های خارجی و کارگزاری‌های آن‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. با وجود اینکه نامه تیت خطی مشی روشنی برای اعمال تئوری مصونیت محدود ارائه کرد، اما اعمال تئوری جدید در عمل دشواری‌هایی به دنبال داشت. مسئولیت اولیه تصمیم‌گیری راجع به مصونیت دولت همچنان به عهده وزارت امور خارجه بود و دولت‌های خارجی اغلب جهت مطالبه مصونیت به اعمال فشار بر این وزارتخانه متوسل می‌شدند. به علاوه، در مواردی نیز کشورهای خارجی با عنایت به تصمیمات پیشین وزارت امور خارجه از تقاضای مصونیت به این وزارتخانه خودداری می‌کردند. رفته رفته روش وزارت امور خارجه در تحقق بخشیدن و اجرای خط مشی جدید آماج انتقادهای جدی قرار گرفت. متعاقب این نابسامانی‌ها، عقیده عمومی به طور فزاینده‌ای به نفع این ایده که مصونیت دولت‌ها در ایالات متحده، باید از طریق آرای محاکم تعیین شود نه توسط کارگزاری‌های دولت یعنی وزارت امور خارجه، تقویت گردید. بازخورد این اقدام تصویب «قانون مصونیت‌های دولت خارجی» در سال ۱۹۷۶ از سوی کنگره بود که منبع قانونی رویکرد مصونیت محدود را مطرح می‌کرد. پس از تصویب قانون فوق، این قانون تنها مبنای اعمال صلاحیت بر دولت‌های خارجی در ایالات متحده آمریکا گردید. «قانون مصونیت دولت‌های خارجی» با تأکید بر دعوی جبران خسارت مدنی عموماً بر مسئولیت مدنی ناشی از اینگونه جرائم تأکید می‌نماید و مآلاً رسیدگی‌های کیفری در حوزه صلاحیت این قانون قرار نمی‌گیرد. امکان اعمال صلاحیت فراسرزمینی در رابطه با خسارت‌های ناشی از شبه جرم‌های منتسب به دولت‌های خارجی در اصلاحیه‌های قانون مصونیت دولت‌های خارجی،

موجی از ادعاهای واقعی و غیرواقعی را علیه دولت‌های خارجی به دنبال داشت. با این حال در مورد اقدامات اجرائی، گستره بیشتری از مصونیت‌ها برای دولت‌های خارجی در دسترس قرار گرفت. با وجودی که قانون ضدتروریسم از سوی برخی از محاکم فدرال آمریکا در رسیدگی به دعاوی علیه دولت‌های خارجی مورد استفاده قرار گرفته است و نیز این قانون هنوز به اندازه کافی براساس اصول و قواعد حقوق بین‌الملل در محک‌آزمون قرار نگرفته، اما در رابطه با به کار بستن این قانون در محاکم داخلی آمریکا سئوالاتی مطرح شده که نویسنده در مقام پاسخگویی به آن بوده است.

منابع و مآخذ:

- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۹)، **حقوق اداری ایران**، تهران: انتشارات توس.
- بوشهری، جعفر (۱۳۹۰)، «خسارات در حقوق بین‌المللی»، **مجله کانون**، دوره اول، ش ۹۰.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۷۹)، «بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران بر اساس شعارهای انقلاب»، **مجله علوم اجتماعی**، دوره هفتم، ش ۱۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۴)، **ترمیم‌ولوژی حقوق**، تهران: گنج دانش.
- حاتمی راد، منصور (۱۳۸۵)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از نگاه مقام معظم رهبری»، **حصون**، دوره اول، ش ۱۰.
- حبیبی، محمد؛ حسینی، سید علی و رحیمی، الناز (۱۳۹۳)، «نقد عملکرد ایالات متحده آمریکا در نقض مصونیت قضایی دولت‌ها در آینه حقوق بین‌الملل و رأی ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی دادگستری»، **مجله حقوق بین‌المللی**، دوره اول، ش ۵۱.
- حسینی، محمدتقی (۱۳۹۷)، «موقعیت سیاست خارجی ایران در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال سی و دوم، ش ۴.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، **صحیفه امام**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خواجeh وند، عبدالله و پوراسکندر، عادل (۱۳۹۶)، مصادره اموال در حقوق ایران با تأکید بر رویه دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی، **ماهنامه پژوهش ملل**، دوره دوم، ش ۲۲.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات سمت.
- سادات میدانی، سید حسین (۱۳۸۳)، «ارزیابی عملکرد محاکم داخلی آمریکا در انتساب اعمال گروه‌های لبنانی یا فلسطینی به جمهوری اسلامی ایران»، **پژوهش حقوقی**، دوره اول، ش ۴.
- سیمیر، رضا (۱۳۸۹)، «سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران»، **دانش سیاسی**، دوره ششم، ش ۲.
- شاکری، ابوالحسن و قلی‌زاده، بهروز (۱۳۹۸)، «ضبط اموال در حقوق کیفری ایران»، **دیدگاه‌های حقوق قضایی**، دوره بیست و چهارم، ش ۸۷.
- شاکری، ابوالحسن و هادی زاده، رضا (۱۳۹۵)، «اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق در حقوق ایران»، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، دوره هفتم، ش ۱.
- ضیایی بیگدلی، محمد رضا (۱۳۹۵)، **حقوق بین‌الملل عمومی**، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- عبدالله، عبدالمطلب و اسماعیلی، مصطفی (۱۳۹۲)، «راهبرد سیاست خارجی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران: تداوم یا تغییر: مطالعه موردی سیاست خارجی باراک اوباما و مسئله هسته‌ای ایران»، **پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، سال دوم، ش ۷.
- عبداللهی، محسن و ژوبین نصیری (۱۳۸۶)، «گزارشی از آخرین تحولات نقض مصونیت ایران در دادگاه‌های ایالات متحده»، **حقوق بین‌الملل و تطبیقی**، دوره اول، ش ۶.
- عسگری، غزاله (۱۳۹۵)، «بررسی شرایط، احکام و آثار ضبط و مصادره و توقیف اموال از منظر قوانین کیفری و جرم‌شناسی ایران»، **کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق در آغاز هزاره سوم**.
- علیزاده، علی اکبر (۱۳۸۸)، «ریشه‌های منازعه بین ایران و آمریکا»، **فصلنامه دین و سیاست**، دوره ششم، ش ۲۱.
- فروغی، فضل‌الله و عباسی، مراد (۱۳۹۸)، «نقض مصونیت قضایی و اجرایی دولت‌ها و اموالشان (مطالعه موردی مصادره دارایی جمهوری اسلامی ایران توسط ایالات متحده آمریکا)»، **مطالعات حقوقی**، دوره یازدهم، ش ۱.
- قربانی، فرج‌الله (۱۳۹۰)، **مجموعه آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور**، تهران: نشر فردوسی.
- محمدی، حمید (۱۳۸۹)، **ضبط مصادره و استرداد اموال**، تهران: انتشارات گنج دانش.
- Baghat, Gawdat (2008), "Security in the Persian Gulf: Perils and Opportunities", *Contemporary Security Policy*, vol. 29, no. 2.
- معین، محمد (۱۳۷۵)، **لغت نامه فارسی**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- منتظری، حسین علی (۱۳۸۰)، **مبانی فقهی حکومت اسلامی**، تهران: نشر تفکر.
- هاشمی، محمد (۱۳۹۵)، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: نشر میزان، جلد اول.
- Brohmer, Jurgen (2009) *State Immunity and the Violation of Human Rights*, Boston: Martinus Nijhoff Publishers.
- Garner, Bryan A. (2009) *Black's Law Dictionary*, 9th Edition, United States of America: Thomson Reuters.
- Katzman, K. (2019). *Bahrain: Reform, Security, and U.S. Policy*, at Congressional Research Service: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/95-1013.pdf>.
- Lehmanand, Jeffrey, and Shirell, Phelp (2011). *West's Encyclopedia of American Law*. Vol. 4.
- Shaw, Malcolm N. (2008), *International Law*, 6th edition, Cambridge University Press.
- Steinberger, Helmut, (1989), "State Immunity", *Encyclopedia of Public International Law*", vol. 10, Amsterdam, North-Holland.